

فصلنامه مطالعات شبه قاره
دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال پنجم، شماره هفدهم، زمستان ۱۳۹۲
(ص ۷۲-۵۳)

دکتر عابد تقوی *

استادیار گروه باستان شناسی
دانشگاه مازندران

سامان فرزین **

دانشجوی دکتری گروه باستان شناسی
دانشگاه مازندران

مریم زور ***

دانشجوی دکتری گروه باستان شناسی
دانشگاه تربیت مدرس

مسجد قوه الاسلام و قطب منار

(میراث ماندگار سلسله‌ی غلام شاهیان (ممالیک) در شمال هند)

چکیده

مسجد قوه الاسلام و قطب منار به عنوان دو اثر معماری و ماندگار سلسله‌ی غلام شاهیان، نشانگر آغاز نفوذ فرهنگی دین مبین اسلام در سرزمین باستانی هند محسوب می‌شوند. سیر تحول ساخت در این دو بنا، بیانگر بهره‌گیری معماران و سازندگان از عناصر معماری بومی هند و به کارگیری هنر معماری ایرانی در قرون میانی اسلامی است. در این تحقیق با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به مطالعه‌ی جنبه‌های تاریخی و ویژگی‌های معماری و تزئینات وابسته به این دو بنا پرداخته شده است. همچنین مطالعه‌ی تطبیقی و تحلیل تأثیر و تأثرات معماری اسلامی در دو حوزه‌ی فرهنگی هند و ایران انجام گرفته است. این نوشتار برآن است تا به این پرسش پاسخ دهد که شواهد تأثیر پذیرفته‌ی معماری قطب منار در سه بخش ساختار، عملکرد

*Email: Abed.taghavi@umz.ac.ir

**Email: s.farzin@stu.umz.ac.ir

***Email: Ma_zoor@stu.umz.ac.ir

و معنی از حوزه های فرهنگی ایران و افغانستان چه بوده است؟ نتایج این تحقیق نشان می دهد که معماری اسلامی در هند با ساخت مسجد قوه الاسلام و قطب منار، نخستین تجربه ی تاریخی مسلمانان به شمار می رفت که بیشتر برگرفته از الگویی ترکیبی از معماری ایرانی- هندی بوده است. به باور نگارندگان، قطب منار علاوه بر عملکردهای نمادین سیاسی و مذهبی، مکانی امنیتی برای کنترل هرچه بیشتر شهر دهلی محسوب می شده است؛ زیرا دارای ارتفاع زیاد بوده و امکان تسلط بر مناطق اطراف را فراهم می کرده است.

کلید واژه ها: معماری اسلامی، مسجد قوه الاسلام، قطب منار دهلی، غلام شاهیان هند.

مقدمه

در قرن اول و دوم هجری قمری، نفوذ فرهنگ اسلامی در منطقه ی شبه قاره ی هند به دو شکل اتفاق افتاد. نخستین ارتباطات میان اعراب مسلمان با هندوان، در قالب روابط تجاری و به صورت مسالمت آمیز آغاز شد. (مجتبایی، ۱۳۶۷: ۵۸۱) دومین شکل از فرایند نفوذ با فتوحات اولیه ی فاتحان عرب در زمان خلیفه ی دوم شکل گرفت. (کوفی، ۱۳۸۴: ۸۹-۹۰) در عهد حکمرانی خلیفه ولید بن عبدالملک مروان اموی (۸۶-۹۸ ه.ق) مرحله ی جدیدی از فتوحات در این منطقه آغاز گردید. (بکری، ۱۳۸۲: ۶-۱۰) در این دوره با حمله ی محمد بن قاسم ثقفی به ایالت سند، توسعه ی قلمرو سیاسی امویان به شرقی ترین بخش خود رسید. در قرون اولیه ی اسلامی، همواره این روابط دو سویه میان فاتحان عرب، سلسله های ایرانی و ساکنین شبه قاره ی هند برقرار بود تا این که غزنویان با قدرت بلامنازع نظامی، موفق به شکست سلسله هندو شاهیان و حاکمان راجپوت شدند. (باسورث، ۱۳۸۱: ۵۷۴) حملات هفده باره ی غزنویان به هند، علاوه بر جنبه های مادی و کسب ثروت حکمرانان محلی با هدف گسترش دین اسلام انجام پذیرفت. (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۸۲) از اقدامات عمرانی سلسله های اسلامی قرون میانی در شبه قاره ی هند، شکل گیری و گسترش معماری اسلامی بر پایه ی اصول و مبانی دین مبین اسلام است؛ به طوری که بازتاب اندیشه ی سیاسی و اجتماعی حاکمان در ابتدا با ساخت مسجد و بنای یادبود مذهبی تحقق یافت. (Salehi and amirshkari, 2013: 163) پس از فتح مناطق شمالی هند به وسیله ی سردار سلطان معزالدین غوری- قطب الدین ایبک (۵۹۴-۵۸۹ ه.ق) و تأسیس سلسله ی سلاطین دهلی، ساخت آثار معماری و بناهای یادمانی در این منطقه آغاز گردید.

تخریب معبد هندوها و تغییر کاربری آن به مسجد قوه الاسلام و ساخت منار قطب الدین ایبک مشهور به منار قطب در دوره ی حکمرانی غلام شاهیان هند، از جمله تحولات معماری این دوره محسوب می شود. در اهمیت این مسأله، نویسنده ی تاج المآثر می نویسد: "... و نواحی از بت و بت پرست خالی ماند و به جای هیكل اصنام، مسجد اسلام بنا افتاد..." (صدرالدین - نظامی، ۱۳۲۹ق، ۸۰) توجه و تأکید سلاطین غوری و ممالیک بر این شهر، موجب رونق و شکوفایی دهلی در سده های میانه ی دوران اسلامی شد؛ به طوری که در منابع تاریخی دهلی به عنوان دارالملک هندوستان یاد شده است. (هندوشاه استرآبادی، ۱۲۹۵: نسخه ی خطی؛ جوزجانی، ۱۳۴۳: ۴۱۹-۴۱۱) در واقع اندیشه ی سیاسی و مذهبی سلاطین غلام شاهیان بر هند، نظیر قطب الدین ایبک و جانشین وی، سلطان ایلتمش که بیشتر تمرکز بر تبلیغ و ترویج دین اسلام بوده و خود را نماینده ی خلیفه ی عباسی می دانستند، موجب شد تا در ابتدا بسیاری از مظاهر آئین هندو مانند معابد و پرستشگاه ها، با تخریب یکپارچه و دامنه دار مواجه شوند. (بداونی، ۱۳۸۰: ۳۸-۱/۳۹) در واقع، عصر حکمرانی قطب الدین ایبک را می توان دوره ی استقرار دامنه دار حکومت اسلامی در شمال هند دانست. (Haige, 1928: 27-30) در ادامه نیز، در دوران حکمرانی ایلتمش با فتح نواحی مالوه (مالوا)، گوالیار (کالیور) سیاست تخریب آثار هندو و جایگزینی آن با آثار اسلامی همچون مساجد و مناره ها پیگیری شد. (الحسنی، ۱۲۷: ۱/۱۹۶۲؛ جوزجانی، ۱۳۴۳: ۱۱-۱۴)

طرح مسأله

بررسی برهمکنش های فرهنگی میان حوزه های تمدنی و فرهنگی، همواره یکی از موضوعات چالش برانگیز در باستان شناسی است. حوزه ی نفوذ پذیری، میزان تأثیر گذاری و تأثیر پذیری و سیر تحولات و تغییرات عناصر فرهنگی، از جمله مباحث مطرح در رویکردهای باستان شناسی به شمار می رود. در این میان، مواد فرهنگی مهم ترین نقش را در ابطال یا اثبات فرضیات علمی برعهده دارند. مواد فرهنگی به عنوان مدرکی مستدل و مستند شامل آثار معماری، اشیای مکشوفه از کاوش های باستانی، محوطه ها و استقرارهای انسانی در باستان شناسی محسوب می شوند. شناخت جریان ها و تعاملات فرهنگی میان حوزه های تمدنی، کمک شایانی به شناخت بافت و ساختار بنیادین جوامع می کند. (فاگان، ۱۳۸۲: ۱۸۶-۲۰۲) همچنین، این عامل، نقش به سزایی در تقویت و پیوستگی فرهنگی، میان این حوزه ها ایفا می نماید. از آنجایی

که دو حوزه ی فرهنگی ایران و شبه قاره ی هند از هزاره های قبل از میلاد، دارای ارتباطات فرهنگی و تمدنی بوده اند (توسلی، ۱۳۸۹: ۸)، این تحقیق تلاش دارد با توجه به وجود آثار معماری در مناطق یادشده، به این پرسش پاسخ دهد که شواهد تأثیرپذیرفته در معماری مسجد قوه الاسلام و قطب منار در سه بخش ساختار، عملکرد و معنی از حوزه های فرهنگی ایران و افغانستان چه بوده است؟ در پاسخ به این پرسش، این فرضیه مطرح است که با توجه به فتوحات مسلمین و سلسله های قرون میانی نظیر غزنویان و غوریان و به تبع آن مهاجرت و انتقال تجارت و مهارت های معماران و استادکاران به مناطق مفتوحه، می توان این طور استنباط نمود که معماران با استفاده از دستاوردهای معماری ایرانی و تلفیق آن با معماری بومی، سیمای نوینی از معماری اسلامی در شبه قاره ی هند را به نمایش گذاشتند.

روش تحقیق

این تحقیق با بهره گیری از روش توصیفی - تحلیلی به جنبه های تاریخ معماری و ویژگی های ساختاری و تزئینات وابسته به آن پرداخته است. همچنین، مطالعات تطبیقی میان این دو بنا (مسجد قوه الاسلام و قطب منار) با دیگر بناهای هم دوره و مشابه نظیر منارجام، خواجه سیاه پوش افغانستان انجام پذیرفته است. توصیف ساختار، تزئینات معماری و کتیبه های برجای مانده و سیر تحول ساخت بنا از یکسو و وجوه افتراق و اشتراک میان عناصر معماری این مجموعه با دیگر بناهای موجود در افغانستان و ایران، از دیگر بخش های مورد مطالعه است. به عبارت دیگر، پژوهش حاضر تلاش دارد با استفاده از منابع دست اول تاریخی و تاریخ معماری، زمینه های تاریخی شکل گیری و گسترش دو بنای مورد مطالعه را بررسی نماید.

پیشینه ی تحقیق

مهم ترین پژوهش های انجام شده درباره ی مسجد قوه الاسلام و قطب منار با محوریت دو رویکرد مطالعات تاریخی و تاریخ معماری است. در گروه اول، از بارزترین مطالعات تاریخی در این باره می توان به منابع دست اول تاریخی نظیر تاج المآثر نوشته صدرالدین نظامی (۶۰۶.ق)، طبقات ناصری نوشته ی جوزجانی (تألیف ۶۵۸.ق)، تاریخ فرشته (تألیف ۱۰۱۵.ق) اشاره کرد. گروه دوم تحقیقات، معطوف به پژوهش های تاریخ معماری و سیر - تحول معماری و ساخت بناها بوده اند. تحقیقات اباکوخ (Koch, 1991) درباره ی اشتراکات معماری

منارهای قطب و دیگر مناره‌های تقلیدی دوره‌های بعدی در هند مانند منارهاشتال (Hashtsal)، ولج (Welch, 1993) پیرامون دستاوردهای عمرانی سلاطین مملوک دهلی، رجب محمدعلی (رجب محمدعلی، ۱۹۹۷) با تمرکز بر مساجد باستانی هند، پیندر ویلسن (Pinder-wilson, 2001) درباره‌ی منارهای غوریان و غزنویان، از جمله مطالعات ارزنده‌ی این زمینه به شمار می‌آیند.

توصیف معماری مسجد قوه الاسلام و قطب منار دهلی

این مسجد که در ابتدا مسجد جامع دهلی نام داشت، بعدها به مسجد قوه الاسلام مشهور گشت. مسجد قوه الاسلام در مکانی که به بزرگترین معبد هندوی دهلی اختصاص داشت، در محوطه‌ای وسیع و مستطیل شکل به ابعاد ۶۴×۶۲ متر ساخته شد. صحنی مستطیل شکل در وسط مسجد به ابعاد ۴۰×۲۸ متر با آجرهای قرمز رنگ فرش شده است (رجب محمد علی، ۱۳۸۱: ۶۷). ردیف ستون‌های سنگی تعبیه شده در سه طرف مسجد، از بیست و هفت معبد محلی هندو به این مکان انتقال یافته بود. (Page, 1926: 29) (شکل ۱) به همین دلیل، نقوش و نمادهای خدایان و اساطیر آیین هندو بر روی این ستون‌ها کاملاً نمایان است. قسمت غربی محوطه که به سوی قبله قرار داشته، مشرف به رواق یا ایوان وسیعی به ابعاد ۲۸×۱۵ متر است که وجود راهرویی با کنده کاری باشکوه و پنج طاق نوک تیز با ارتفاع طاق مرکزی به ارتفاع $۱۳/۴۷$ ، بر اهمیتش افزوده است. در این قسمت، ایوان سنگی رو به قبله قرار دارد که دارای هفت کنگره است که کنگره‌ی میانی از تزئینات بیشتری برخوردار است. نقوش تزئینی قبله شامل نقوش گیاهی (گل و بته)، اسلیمی به شکل نقوش حلزونی کنده کاری شده و در کنار آن آیات قرآنی نقش بسته است. (شکل ۲) کتیبه‌ای به خط نسخ، در درگاه داخلی ورودی شرقی مسجد وجود دارد که در آن به سال فتح حصار شهر دهلی و ساخت مسجد جامع اشاره می‌کند. (Pinder-wilson, 2001: 171) شرح کتیبه‌ی یادشده به شرح زیر است:

این حصار را فتح کرد و این مسجد جامع را بساخت به تاریخ سنه سبع و ثمانین خمس مائه امیر اسفهلار اجل کبیر قطب الدوله و الدین امیر الامرای ایبک سلطانی اعز الله انصاره بیست و هفت آلت بتخانه که در هر بتخانه دوبار هزار دلیوال صرف شده بود، در این مسجد به کار بسته شده است. خدای عزوجل بر آن بنده رحمت کناد. هر که بر نیت بانی خیر دعا ایمان گوید.

آیات قرآنی نوشته شده در این بخش مربوط به سوره ی آل عمران، آیات ۹۱ و ۹۲ است. ایوان شرقی مسجد از دو بخش تشکیل شده که به وسیله ی دو سقف مسطح سنگی پوشیده شده است. همچنین سه گنبد مخروطی، فضای ایوان را احاطه کرده است. ردیف طاق هایی، اطراف ایوان و ستون های این محوطه ایجاد شده اند که به سبک معابد هندو آرایش یافته اند. طاق های تیز دیواره ی غربی مسجد، فقط با استفاده از فن سنتی هندویی ساختن تیرهای چوبی ممکن شده است. به طور مثال می توان به نقش تاج های صلیبی شکلی اشاره کرد که به شکل چهارگوش اند و هرگوشه ی آن، به شکل انسانی است که دست و پاها ی آن همچون ریسمانی، میانه ی سقف را در بر گرفته اند. (محمدعلی، ۱۳۸۱: ۶۷) ایوان های شمالی و جنوبی نیز هر یک به وسیله بخش های مجزا با ردیفی از ستون ها ایجاد شده اند. ردیف ستون هایی که به دو صورت مشرف بر صحن و چسبیده به دیوار ساخته شده اند.

در ستون های این ایوان ها، هیچگونه برجسته کاری و تزئین به چشم نمی خورد. تنها تزئینات این بخش، مربوط به کاشی کاری است که در قالب باورها، اساطیر و آئین هندوها به صورت نقوش انسانی نقش شده اند. از نقوش رایج این بخش، تصاویر قلب های آویزان، نقوش زنجیرهای بافته شده و نیز نقش حیوان گاو است که در بیشتر معابد هندو، از عناصر تزئینی و نمادین آئین هندو به شمار می روند. در زمان سلطان ایلتمش -جانشین قطب الدین ایبک- بخش های شمالی و جنوبی مسجد گسترش یافت. به طوری که در بخش های جنوبی، صحن مستطیل شکلی به ابعاد ۲۵×۵۰ متر ایجاد شد که گنجایش بیشتری برای نمازگزاران داشت. مهم ترین تغییرات شکلی مسجد قوه الاسلام در زمان سلطان ایلتمش عبارتند از:

الف) ایجاد سه گنبد کوچک (قبه) بر روی ایوان قبله ی گسترش یافته در بخش غربی.

ب) عدم به کار گیری از ستون معابد هندو در مسجد.

ج) اضافه کردن سه ورودی به مسجد از جانب ایوان های شمالی، جنوبی و شرقی.

همچنین در زمان حکمرانی سلطان علاء الدین خلجی (۷۱۰هـ.ق) بر مساحت مسجد خصوصاً در بخش های شمالی و شرقی افزوده شد و به عنوان نمادی از اقتدار سیاسی دوره ی حکومتش، مناری در میانه صحن تازه تأسیس شمالی در مسجد قوه الاسلام ساخته شد. امروزه به جز پایه های آن و طبقه ی زیرین بخش های دیگر آن ناپود شده است. (Page, 1926:34) در

قسمت جنوب شرقی محوطه به فاصله ۲۵ متری از مسجد قوه الاسلام، بنای قطب منار قرار گرفته است که ارتفاع تقریبی آن ۷۲ متر است. (کراون، ۱۳۸۸: ۲۱۸) (شکل ۳)

قطب منار، دارای پنج طبقه است که در فاصله ی دو طبقه، ایوان مدوری که در معماری به غلام گردش مشهور است، قرار گرفته است. در هر طبقه، کتیبه هایی از آیات قرآن و القاب منتسب به قطب الدین ایبک و محمدبن سام (معزالدین غوری) نقش بسته است. پیرامون طاق ها و روی نوارهای تزئینی پیرامون مناره، سازندگان بنا، آیاتی از قرآن را با خط نسخ نوشته اند و با طراحی گل و بته، تزئین کرده اند (همان، ۲۱۹) (شکل ۴) قطب منار دارای ۳۷۹ پله است و قطر قاعده ی آن در پایه ۱۴/۳۲ متر است. این قطر در بالاترین نقطه به کمترین حد خود، به ابعاد ۲/۷۵ متر رسیده است. تزئینات بیرونی طبقات مناره از سنگ ماسه ای سرخ و کرم رنگ است که به عنوان الگوی رایج در معماری بومی منطقه به شمار می رود. در خلال بازسازی و مرمت بخش هایی از مناره در سال ۱۳۶۸م. خصوصاً در احداث طبقات بالایی از سنگ مرمر سفید استفاده شد. لازم به ذکر است که امور مرمت و الحاقات طبقات بالایی در دوره ی حاکمیت ایلتمشو فیروزشاه خلجی انجام پذیرفت. (Pinder-wilson, 2001: 172) طبقات پایینی مناره، دارای طرح های گوناگونی است. در طرح طبقه ی اول، شامل شیارهای منحنی و زاویه داری است که با هم تلفیق شده اند. در طبقه ی فوقانی، نقوش منحنی در کنار هم قرار گرفته اند و در نهایت در طبقه ی سوم، مهم ترین طرح اجرا شده، شامل بریدگی های زاویه دار و مثلثی شکل بوده است. ایوان های فوقانی بر پایه ها و طاق نماهای مقرنس کاری بوده است که برگرفته از الگوی معماری ایرانی است. (ذکرگو، ۱۳۷۶: ۲۳۵) (شکل ۵) طبقه ی اول منار قطب، شامل اضلاع برجسته ای است که طرح قالب شامل نقوش نیم دایره و مثلث های دالبری بوده اند. آیات قرآنی، تزئین کننده ی این بخش از مناره می باشند که در بردارنده ی سوره ی بقره، آیات ۲۵۵-۲۶۰ است.

طبقه ی دوم که قطری کمتر از طبقه ی اول دارد، دارای اضلاع برجسته و نیمه استوانه ای است که دارای نوشته هایی به خط نسخ و دو کتیبه ی سنگی قرمز رنگ بوده است. در این بخش سوره الحشر آیات ۲۲ و ۲۳ نوشته شده است. طبقه ی سوم هم با همین ترکیب و با قطری کمتر

آرایش یافته است. در این بخش نام و القاب غیاث الدین محمد غوری ذکر شده است. این القاب عبارتند از:

السلطان المعظم شاهنشاه الاعظم مالک رقاب الامم مولی ملوک العرب و العجم سلطان السلاطین فی العالم غیاث الدنیا و الدین معز الاسلام و المسلمین محی العدل فی العالمین علاء الدوله القاهره [وجلال] الامه و الظاهره شهاب الخلافه باسط الاحسان فی الرافه فی الثقلین ظل الله فی الخافقین الحامی لبلاد الله الراعی لعباد الله محرز ممالک الدنیا و مظهر کلمه الله هی العلیا ابو المظفر [محمد] بن سام قسیم امیر المومنین انار الله برهانه.

در طبقه ی چهارم مناره که به شکل مدور با سنگ های مرمر سفید، تغییر شکل و رنگ داده، نکته ی مهمی قابل تأمل است. در این بخش تزئینات، بدون برجسته کاری است. آیات قرآنی نقش بسته شامل آیات ۶-۱ سوره ی الفتح است. در نهایت طبقه ی پنجم مناره قرار دارد که همانند طبقه ی زیرین، دایره ای شکل همراه با تزئینات سنگ مرمر سفید است. در این بخش نام و القاب معزالدین غوری به چشم می خورد که زینت دهنده ی دورتا دور مناره است. این القاب عبارتند از:

[السلطان المعظم شاهنشاه الاعظم مالک] رقاب الامم مولی ملوک العرب و العجم اعدل السلاطین فی العالم معز الدنیا و الدین غیاث الاسلام و المسلمین [بها الملوک و السلاطین باسط العدل و الاحسان] فی الثقلین [ظل الله فی الخافقین الراعی لعباد الله حامی بلاد الله... القائم] بحدود الله الموید من السماء المنصور علی الاعداء [علاء الدوله القا] هره جلال الامم الباهره فلک المعالی... [ناشر] الویه [النصر] سلطان البر و البحر محرز ممالک الدنیا و مظهر کلمه الله هی العلیا اسکندر ثانی ابوالمظفر محمد بن سام خلد الله ملکه و سلطانه و تعالی الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهاده هو الرحمن الرحیم.

همان طور که در بالا اشاره شد، طبقات چهارم و پنجم به دستور سلطان فیروزشاه خلجی در سال ۱۳۶۸م. به منار قطب اضافه شد. محوطه ی مسجد قوه الاسلام، مجموعه ای مرکب از بناهای متعدد دوران حکمرانی سلاطین غوری (اوایل قرن پنجم تا ۶۱۲ هـ.ق)، غلام شاهیان (ممالیک هندی) (۶۰۲-۶۸۹ هـ.ق)، خلجیان (۶۸۹-۷۲۰ هـ.ق)، تغلغان (۷۲۰-۸۱۷ هـ.ق)،

سادات یا خضرخانیه (۷۱۷-۸۴۷هـ.ق) و ایلخان مغول بوده است. (page, 1926:34, Welch & crane, 1983:130, Asher, 1992: 7 (شکل ۶).

۴- مطالعه ی تطبیقی ویژگی های معماری قطب منار دهلی

۴-۱- ساختار

براساس مطالعه ی ساختار و عناصر معماری قطب منار، شباهت های بسیاری میان این اثر با دو منار جام در پایتخت تابستانی غوریان-فیروزکوه- در جام و نیز مناره خواجه سیاه پوش در ولایت زرنگ (نیمروز) سیستان افغانستان وجود دارد (Koch, 1991:95) (شکل ۷) ساختار دایره ای شکل مناره، قرارگیری پایه ی مناره بر روی سکو، تأکید بر ارتفاع زیاد و محوریت عمودی بنا، وجود غلام گردش در هر طبقه، تزئینات مقرنس کاری، تنوع طرح های گیاهی و هندسی از بارزترین موارد تشابه است. (هیلن براند، ۱۳۸۰: ۱۶۰) اگرچه بخش های زیادی از مناره (طبقات سوم تا پنجم) در دوره های بعدی در دوره ی صدارت سلطان ایلتمش و فیروزشاه خلجی تکمیل شده است؛ ولی اصالت معماری و سبکی اثر، تغییری نکرده است و از این حیث، می توان تحلیلی مستند، درباره ی چگونگی تأثیرپذیری این مناره از مناره های جام و سیاه پوش در افغانستان ارائه کرد. پلان ستاره ای شکل قطب منار با تزئینات نیمه استوانه ای در بدنه، مشابه الگویی تجربه شده در منار خواجه سیاه پوش است که در ولایت نیمروز افغانستان قرار گرفته است. در ناحیه ی باستانی نادعلی سیستان، بقایای این مناره با پایه های هشت گوش و نیم ستون های تزئینی و پشتبندهای چندضلعی، حاکی از شباهت های معماری این دو اثر است. (Nath, 1978:25) لازم به یادآوری است که تجربه ی اولیه ی نقشه و طرح سازه ای آن در شمال ایران در دو قرن پیشتر، در برج قابوس بن وشمگیر (۳۹۷هـ.ق) ساخته شد. (Trousedale, 1956:104) با بررسی موشکافانه ی عناصر معماری این برج، به روشنی می توان ویژگی های معماری به کار رفته را در مناره های قطب، سیاه پوش و جام مشاهده کرد. در کنار شباهت های معماری و تزئینات وابسته به آن می توان به تفاوت های ساختاری اشاره کرد. یکی از تمایزات بارز، نوع خطّ مورد استفاده در کتیبه ها، محتوای کتیبه ها و مصالح استفاده شده در ساخت مناره هاست. به طور مثال، خطّ نقش بسته در مناره ی جام، خطّ کوفی است و محتوای کتیبه ها به جز نام و القاب حاکم و سازنده ی اثر، بیشتر حاوی آیات قرآنی است که در آن بر

اصل توحید در دین اسلام و نوید پیروزی نهایی اشاره دارد. ماده ی اصلی ساخت مناره، از آجر و سنگ لاشه در پی با ملات ساروج است. این درحالی که در قطب منار، کتیبه ها به خط نسخ (به جز آیات قرآن و اشاره به سال ها) نوشته شده اند. مصالح ساختمانی مناره ی قطب شامل سنگ های ماسه ای سرخ و مرمر سفید است و تزئینات آن بیشتر با الهام از سبک های بومی شبه قاره ی هند بوده است. افزون بر این، از جمله تفاوت های بارز میان قطب منار با دیگر مناره های همزمان، بهره گیری از سبک معماری بومی هند است. این مسأله تا حد زیادی به مکان ساخت این مناره و مسجد قوه الاسلام مربوط می شود که پیشتر جایگاه معبدی متعلق به آئین هندو بوده است. فاتحان جدید با تخریب آثار معماری معابد و استفاده از مصالح و عناصر معماری نظیر تیرهای چوبی، ستون ها و سنگ های منقوش در بناهای احدائی، بخش قابل ملاحظه ای از مصالح، مورد استفاده ی مجدد قرار گرفته شد. در این بین، نقوش تزئینی بیش از همه قابل توجه است؛ زیرا نشانگر تلفیق فرهنگ اساطیری هند (نقوش انسانی و حیوانی) و نقوش اسلامی (هندسی، نقوش گل و بته، اسلیمی و کتیبه های کوفی و نسخ) بوده است. (Welch, 1993: 311) بی شک، همزیستی مسالمت آمیز مسلمانان و هندوها در معماری مناره قطب و مسجد قوه الاسلام، مهم ترین شاخص تعامل فرهنگی به شمار می رود. به طوری که ترکیب این دو و بهره گیری مناسب از نقوش و سبک معماری بومی هند و معماری ایرانی، موجب قرارگیری قطب منار در ردیف آثار فاخر مسلمانان در شبه قاره ی هند شده است.

۲-۴- عملکرد

تاکنون در باب کارکرد مناره ها در معماری جهان اسلام، نظرات گوناگونی ارائه شده است. برخی فلسفه وجودی آن را مکانی برای دعوت مسلمانان برای اقامه نماز دانسته اند و طرح آن را، الگویی تقلیدی از برج های کلیساهای سوری در نظر گرفته اند. (Creswell, 1926: 134-140) برخی دیگر، بر ریشه یابی واژگانی و معنایی مناره تأکید داشته اند و تحقیق در این باره را کلید شناخت واقعی کارکرد این بنا دانسته اند. (Berchem, 1903: 481) از دیگر نظرات عمده در باب عملکرد گوناگون مناره، می توان به ستون های یادبود، میل راهنما، محلی برای افروختن آتش، الگویی برگرفته از چراغ های فانوس دریایی و زیگورات های بین النهرینی و در نهایت، نمادی از ارکان هستی یاد کرد. (بلوم، ۱۳۸۱: ۱۲۵) در قرون میانی اسلام، پراکندگی این گونه معماری

نسبت به دوره های پیشین، از فراوانی بیشتری برخوردار بوده است. در مناطق شرقی ایران خصوصاً در نواحی تحت قلمرو غزنویان و غوریان در افغانستان و بخشی از شبه قاره ی هند، نمونه های بارزی از سنت ساخت این برج های یادبود و به تعبیری مناره ها، به عنوان یک سبک شناخته شده و رسمی، مرسوم شد. برخلاف مکان قرار گیری مناره ی جام در دره های کوهستانی منطقه ی هرات رود که خود نشان از اثری برای یادبود پیروزی های جهادگونه ی سپاه اسلام به رهبری غیاث الدین غوری بوده است. مناره ی قطب در دهلی، در منطقه ای شهری قرار گرفته است. این مناره، علاوه بر نماد پیروزی و مظهر قدرت، کاربردی هم برای اقامه ی اذان با محوریت مسجد قوه الاسلام داشته است. اگرچه، کتیبه های موجود بر مناره، حاکی از نماد پیروزی اسلام بر شبه قاره ی هند دارد و این مسأله، شاخص مهمی برای اثبات کارکرد واقعی اثر نیز می تواند قلمداد شود؛ ولی با توجه به قرار داشتن مناره به مثابه ی مرتفع ترین نقطه ی شهر، استفاده از آن به عنوان برج دیده بانی و کنترل بر امنیت شهر، دوازدهم انتظار نیست و نگارندگان بر این باورند که این بنا می تواند علاوه بر کارکردهای فوق، مکانی برای کنترل امور نظامی و امنیتی شهر دهلی محسوب شود.

۳-۴- معنا

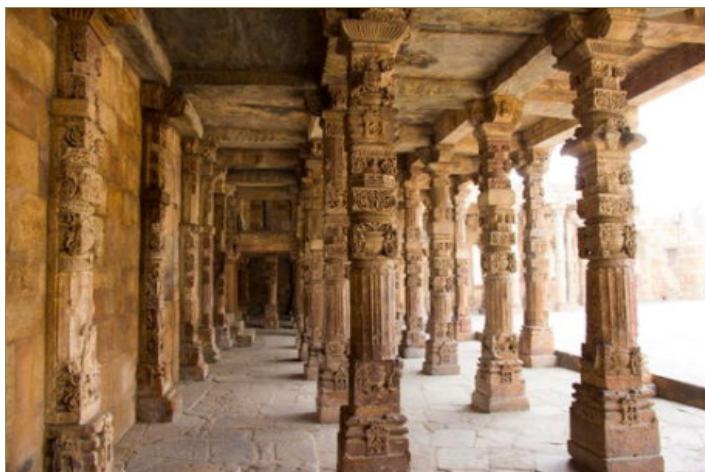
بر اساس آنچه که از معنای اثر با تأکید بر کتیبه های قطب منار می توان استنباط نمود این که، ساختار و عملکرد مناره قطب، نشان از توجه به ادیان توحیدی دیگر چون مسیحیت و یهود و نیز تأکید بر نقش تاریخی آنان در رسالت تاریخی پیامبرانشان داشته است. آیاتی از سوره ی مریم و داستان تولد مریم و نیز چگونگی راهنمایی خداوند به پیامبران ابراهیم، اسحاق و یعقوب تأکیدی بر همزیستی مسالمت آمیز ادیان در کنار یکدیگر، برای رسیدن به کمال مطلق حق تعالی است. همچنین محتوای کتیبه ها، بیانگر پارسایی و دینداری سازنده ی اثر نسبت به لطف خداوند در فتح دهلی است. (Pinder-wilson, 2001: 175) آیات قرآنی مربوط به مفاهیم بهشت و دوزخ، از دیگر موارد قابل اشاره اند که در آن برای هر یک از ایمان آورندگان و انکارکنندگان، وعده ی آن داده شده است. افزون بر این، کتیبه های موجود، محتوایی سیاسی نیز داشته اند که در آن به نقش دین اسلام بر سرزمین های مفتوحه اشاره دارد. به عبارت دیگر، کتیبه های قطب منار را می توان گونه ای اعلامیه ی سیاسی و دینی در سرزمینی باستانی با معابد، اساطیر و خدایان متعددی

دانست که پس از مدتی، مروج دین اسلام گردیدند. از این رو با توجه به شباهت های معنایی دو مناره ی قطب دهلی و جام در فیروزکوه افغانستان می توان اینگونه برداشت نمود که این دو اثر، از دو جنبه ی سیاسی و مذهبی، نماد قدرت سیاسی حکومت سیاسی غوریان از یکسو و نمایانگر سیطره ی دین اسلام بر بخش های وسیعی از مناطق شرقی جغرافیای جهان اسلام بوده اند.

نتیجه

در این مقاله، تلاش شد با بررسی دو اثر معماری سلسله ی محلی غلام شاهیان هند، به نشانه های مادی تأثیر و تأثرات دو حوزه ی فرهنگی ایران و شبه قاره ی هند پرداخته شود. براساس مطالعه ی ویژگی های ساختاری، عملکردی و تزئینات وابسته به معماری، نتایج تحقیق به شرح ذیل حاصل گردید. مناطق شمال و شمال غربی هند، به سبب فتوحات حکمرانان غزنوی و غوری در سده های چهارم و پنجم هجری قمری با هدف گسترش دین اسلام و نیز به دست آوردن ثروت سرشار حکمرانان محلی هند، محل برخورد و درگیری میان بومیان هندی و فاتحان مسلمان گردید. در کنار این مناقشات، می توان به اقدامات عمرانی فاتحان دست نشانده ی حکومت غوریان در شهر دهلی اشاره کرد. ساخت مسجد قوه الاسلام و منار قطب از جمله دستاوردهای معماری قطب الدین ایبک است که هریک با پیگیری مقاصد خاصی ساخته شد. از آنجایی که مسجد به عنوان نماد دین اسلام، محل عبادت و تزکیه ی نفس شمرده می شد، فاتحان مسلمان تصمیم به ساخت آن در مکانی گرفتند که جمعیت غالب را بوداییان و هندوها تشکیل داده بودند. این امر نمادین، تأثیرگذارترین سیاست فاتحان جدید در فرایند اسلامی شدن شبه قاره ی هند به شمار می آمد. شواهد معماری در مسجد قوه السلام، نشانگر بهره گیری از سنت های معماری ایرانی و تلفیق آن با معماری بومی هند است. این موارد بیشتر در نقوش و تزئینات وابسته به بنا بیشتر به چشم می خورد. استفاده از نقشه ی چهار ایوانی، طاق های جناغی و بیزه دار، تزئینات ستون ها و مقرنس کاری، گنبدسازی و ایوان های روبه قبله و طرح های شبستانی برگرفته از الگوهای معماری ایرانی در شبه قاره هند است که با ترکیب هنر معماری بومی، سیمای نوینی از معماری این منطقه را به نمایش گذاشته است. به باور نگارندگان، بخش عظیمی از برهمکنش فرهنگی در حوزه ی تعاملات معماری اسلامی میان ایران و شبه قاره ی هند، وامدار هنرمندان، معماران و صنعتگرانی است که به تبع فتوحات نظامی به این مناطق کوچانده شدند. نمونه ی بارز

این مسأله در بناهای یادمانی سرداران غوری در دهلی، قابل مشاهده است. قطب الدین آیبک (۵۸۹-۵۹۴ ه.ق) سردار فاتح شهرهای شمالی و شمال غربی هند، به سبب فتح لاهور، دهلی و گجرات اقدام به ساخت مناری در کنار مسجد قوه الاسلام کرد. این مناره از یکسو، یادبود پیروزی سلسله ی غوریان بر مناطق شمالی هند و گسترش قلمرو سیاسی این سلسله به شمار می رفت و ازسویی دیگر، موجب گسترش مرزهای سیاسی جهان اسلام تا سرحدات شرقی شد. در این تحقیق که با تمرکز بر روی مناره ی قطب انجام پذیرفت، مشخص شد که مشابهت های بسیاری در ساختار، نقوش، عملکرد و محتوای میان منار قطب با دیگر مناره های احدائی در ایران و افغانستان وجود دارد. هسته ی اولیه ی شکل گیری طرح ستاره ای شکل این مناره، احتمالاً الگویی تجربه شده در ایران است که برج قابوس بن وشمگیر در شهر تاریخی جرجان، بارزترین نمونه ی آن محسوب می شود. بیشترین نفوذ معماری در این اثر، با الهام از مناره های احدائی غوریان در ولایات نیمروز افغانستان (منار خواجه سیاه پوش) و هرات رود (منارجام در فیروزکوه) بوده است. ساختار چندضلعی و طرح مضرس و خیاره ای شکل، ارتفاع زیاد و توجه به محوریت عمودی بنا، کتیبه ها و نوع مکان گزینی آن در بخش های بنا، مقرنس کاری و عنصر معماری غلام گردش، استفاده از پشتبندها و نماهای تزئینی نیم دایره ای شکل، حاکی از تأثیرات فنی و هنری در این اثر ارزشمند تاریخی است. در کنار وجوه تشابه، تفاوت هایی نیز میان آثار یادشده وجود دارد که منار قطب را به عنوان یک اثر معماری اسلامی با هویتی مستقل در قالب سبک معماری هند معرفی می کند. استفاده از سنگ های سرخ ماسه ای، سنگ های مرمر سفید در ساخت بنا، بهره گیری از نقوش اساطیری و آئینی هند، از نمونه های بارز این مسأله است. به باور نگارندگان، قطب منار علاوه بر عملکردهای نمادگرایانه از فتح مسلمین بر شبه قاره ی هند و بهره برداری سیاسی و مذهبی حاکمان از این اثر، مکانی امنیتی برای کنترل هرچه بیشتر بر شهر دهلی محسوب می شده؛ زیرا ارتفاع زیاد و گستردگی پوشش بر مناطق اطراف از مزیت های این بنا در مواقع ضروری به شمار می رفته است.



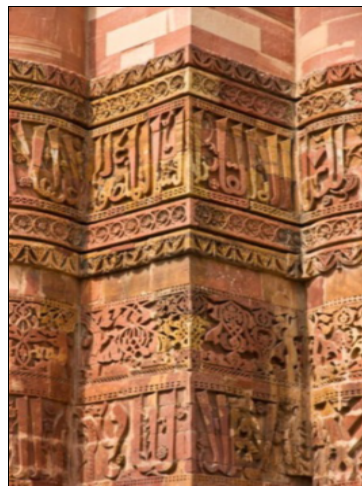
شکل (۱) بقایای ستون های متعلق به معابد هندو که در شبستان مسجد قوت الاسلام به کار رفته است (منبع: پایگاه اطلاع رسانی UNESCO)



شکل (۲) نمایی از تزئینات مسجد قوت الاسلام (پایگاه اطلاع رسانی UNESCO)



شکل ۳) نمایی از قطب منار دهلی و مسجد قوت الاسلام ((پایگاه اطلاع رسانی UNESCO)

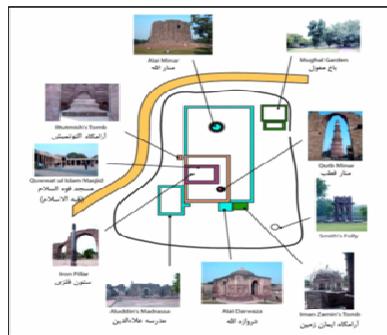


شکل ۴) نمایی از منار قطب و آیات قرآنی و نقوش گیاهی نقش بسته بر آن (پایگاه اطلاع رسانی

UNESCO)



شکل ۵) تزئینات مقرنس کاری زیر غلام گردش قطب منار (پایگاه اطلاع رسانی UNESCO)



شکل ۶) بناهای احدائی در مجموعه تاریخی قوت السلام

دوره ی قطب الدین ایبک (۶۰۷-۶۰۲ ه.ق.)



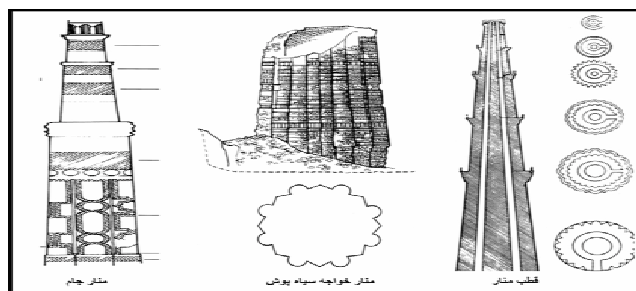
دوره ی التومش (۶۳۳-۶۰۷ ه.ق.)



دوره ی علاء الدین (۶۳۹-۶۴۴ ه.ق.)



دوره های بعد از علاء الدین (۶۴۴ ه.ق به بعد) (منبع : پورجعفرو دیگران، ۱۳۸۹: ۱۴۰)



شکل ۷) مقایسه ی تطبیقی ساختار مناره های قطب ، جام و خواجه سیاه پوش (Koch,1991:96-98)

منابع

- ۱- ابن اثیر، الکامل، ترجمه علی هاشمی حائری، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۱.
- ۲- الحسنی، عبدالحی بن فخرالدین، فزهه الخواطر و بهجه المسماع و النواظر، جز اول، حیدرآباد، مطبعه دائرة المعارف العثمانیه، ۱۹۶۲.
- ۳- باسورث، ادموند کلیفورد، سلسله های اسلامی جدید، راهنمای گاهشماری و تبارشناسی، ترجمه فریدون بدره ای، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۱.
- ۴- بداونی، عبدالقادر، منتخب التواریخ، تصحیح مولوی احمدعلی صاحب، جلد اول، تهران: انتشارات انجمن مفاخرملی، ۱۳۸۰.
- ۵- بکری، سیدمحمد معصوم، تاریخ معصومی (تاریخ سند)، تصحیح عمر بن محمد داود پوته، تهران: نشر اساطیر، ۱۳۸۲.
- ۶- بلوم، جاناتان، ام، مبنای پیدایش مناره از دیدگاه کرسول، ترجمه محمدرضا بذل جو، فصلنامه صفا، شماره ۳۵، صص ۱۲۹-۱۲۳، ۱۳۸۱.
- ۷- پورجعفر، محمدرضا، و پورجعفر، علی، بررسی تطبیقی آثار معماری اسلامی: از برج قابوس بن وشمگیر در ایران تا برج های دوقلوی پترناس، نامه معماری و شهرسازی، شماره پنجم، پاییز و زمستان ۸۹، صص ۱۴۸-۱۳۵، ۱۳۸۹.
- ۸- توسلی، محمدمهدی، ایران، شبه قاره و چین: نقش راه های ارتباطی در پیوندهای فرهنگی - تجاری براساس مدارک باستان شناختی)، فصلنامه شبه قاره هند، سال دوم، شماره دوم، صص ۲۰-۷، ۱۳۸۹.
- ۹- جوزجانی، منهاج الدین سراج، طبقات ناصری، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۶۳.
- ۱۰- فاگان، برایان، سرآغاز: درآمدی بر باستانشناسی (اصول، مبانی و روش ها)، ترجمه: غلامعلی شاملو، جلد اول، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۲.
- ۱۱- کراون، روی سی، تاریخ مختصر هنر هند، ترجمه فرزانه سجودی و کاوه سجودی، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر، ۱۳۸۸.

- ۱۲- کوفی، علی بن حامد، **فتح نامه سند** (چچ نامه) ، تصحیح داود پوته، تهران : انتشارات اساطیر، ۱۳۸۴ .
- ۱۳- مجتبایی، فتح الله، مدخل اسلام. **دائرة المعارف بزرگ اسلامی**، به کوشش سید کاظم موسوی بجنوردی، جلد ۸، نشر مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷ .
- ۱۴- محمدعلی، احمد رجب، **مسجد قوت الاسلام** (قطب منار) هند، ترجمه سید محمد غضنفری، نشریه مسجد، سال یازدهم، شماره ۶۳، صص ۶۹-۶۵، ۱۳۸۱ .
- ۱۵- نظامی عروضی، صدرالدین، **تاج المآثر**، تصحیح محمدعلی بن احمد جوینی، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۷۲۹ق.
- ۱۶- هندوشاه استرآبادی، محمد بن قاسم، **بخشی از تاریخ فرشته**، نسخه خطی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۲۹۵ .
- ۱۷- هیلنبراند، رابرت، **معماری اسلامی**، ترجمه باقرآیت الله زاده شیرازی، تهران: روزنه، ۱۳۸۰ .
- 18-Asher, C,B.**From Anomaly to Homogeneity**. The Mosque in 14th-through 16th-Century Bihar, in G. Bhattacharya and D. Mitra, eds., Studies in Art and Archaeology of Bihar and Bengal. Nalini-kikanta Satavatsiki. Dr.N.K. Bhattasali Centenary Volume, Delhi, pp. 67-84, 1989.
- 19-Berchem, V, M. **Materillx pour un Corpus inscriptionum Arabicarum** .Iere partie : Egypt (Paris , 1894-1903), P: 476-502, 1903.
- 20-Creswell, K,C,A.**The Evolution of Minaret with special references to Egypt**. Burlington Magazine, Vol 48, PP: 134-298, 1926.
- 21-Haige,W.**The Cambridge history of India**. Vol III, Cambridge University Press,1928.
- 22-Koch,E. **The Copies of the Qutb Minar**. Iran, Journal of British Institute of Persian Studies, Vol 29, pp:95-107, 1991.
- 23-Nath, R. **History of Sultanate Architecture**. New Delhi, 1978.
- 24-Page,J,A.**AHistorical Memoir on the Qutb Delhi**.Calcutta, 1926.
- 25-Pinder wilson,R. **Ghaznavid and Ghurid Minarets**. Iran(Journal of British Institute of Persian Studies), Vol.39,PP:155-186, 2001.
- 26-Salehi ,K. **Amirshकारी** .F,Reasons and Consequences of Ghaznavids' Invasion of India,Journal of Subcontinent Researches,Vol. 5, No.15, summer 2013,PP:153-166, 2013.

27-Trousdale, W. **The Minaret of Jam, a Ghori Monument in Afghanistan.** Archaeology, Vol18/2, pp: 102-108, 1956.

28-Welch, A.H. Crane. **The Tughluqs: Master Builders of the Delhi Sultanate.** Muqarnas 1, pp. 123-66, 1983.

29-Welch, A. "Architectural Patronage and the Past : The Tughluq Sultans of India" . Muqarnas, Vol 10, Essays in Honor of Oleg Grabar, pp:311-322, 1993.

References

1- Al-Hasani, Abdol-heyebne Fakhr Al-Din. **Nozhat-o Al-khavater va Behjat-o Al-Masame' va Al-Navazer.** First Part, Heydar Abad: Osmania Encyclopedia, 1962.

2-Asher, C, B. **From Anomaly to Homogeneity.** The Mosque in 14th-through 16th-Century Bihar, in G. Bhattacharya and D. Mitra, eds., Studies in Art and Archaeology of Bihar and Bengal. Nalini-kikanta Satavatsiki. Dr. N. K. Bhattasali Centenary Volume, Delhi, pp. 67-84, 1989.

3-Badavuni, Abdulghader. **Montakhab Al-Tavarikh.** Vol. 1, Ed. Molavi Ahmad Ali Sahebdel, Tehran: National Association of Fame, 2001.

4-Bakri, Seyyed Mohamad Masum. **Tarikh-e Massumi** (Tarikh-e Send), Ed. Omar-Ebn-e Mohamad Davud Potte, Tehran, Asatir, 2003.

5-Basswors, Edmond Clifford . **Selsele-haye Eslami-e Jadid.** chronology and genealogy guide , Tr. Freydon Badrei, Tehran, Islam and diagnostic center, 2002.

6-Berchem, V, M. **Materillx pour un Corpus inscriptionum Arabicarum ,Iere partie : Egypt** (Paris , 1894-1903), P: 476-502, 1903.

7-Bloom , Jonathan. **Mabnay-e Peydayesh-e Menareh az Didgah-e Creswell.** Tr. Mohamad reza Bazljo, Journal of Soffe, No. 35, Tehran: pp. 123-129, 2002.

8-Craven, Roy c. **Tarikh-e Mokhtasar-e Honar-e Hend.** Tr. Foruzan Sojodi & Kaveh sojudi, Tehran: Farhangestan-e Honar, 2009.

9-Creswell, K,C,A. **The Evolution of Minaret with special references to Egypt.** Burlington Magazine, Vol 48, PP: 134-298, 1926.

10-Ebn-e Asir, Alkamel, Tr. **Ali Hashemi Haeri,** Tehran: Elmi, 1992.

11-Fagan, Brian. **Saraghaz: Daramadi bar Bastanshenasi** (Osol, Mabani va Ravesh-ha), Tr. Gholamali Shamlou, Vol. 1, Tehran: Samt, 2003.

12-Haige, W. **The Cambridge history of India.** Vol III. Cambridge University Press, 1928.

- 13-Hendoushah Astarabadi, Mohamad ebn-e Ghasem. **Bakhshi az Tarikh-e Fereshte**. Manuscript, Islamic Parliament, 1916.
- 14-Hillenbrand ,Robert. **Memari-e Eslami**. Tr. Bagher Ayat Allah zاده Shirazi, Tehran: Rouzaneh, 2001.
- 15-Jowzjani, Menhaj Seraj. **Tabaghat-e Naseri**. Ed. Abdulhey Habibi, Tehran: Donyay-e Ketab, 1984.
- 16-Koch,E. **The Copies of the Qutb Minar**. Iran, Journal of British Institute of Persian Studies, Vol 29, pp:95-107, 1991.
- 17-Kofi, Aliyebne Hamed. **Fath Nameh Send**(Chach Nameh), Tr. Davood Poteh, Tehran: Asatir, 2005.
- 18-Mohamad Ali, Ahmad Ragab. **Masjid-e Qwot Al-islam Hend**. Tr. Seyyed Mohamad Ghazanfari, Journal of Masjid, Vol. 11, No. 63, pp.65-69, 2002.
- 19-Mojtaba'i, Fath Allah. Madkhal-e Islam. **Islamic Encyclopedia**. Ed. Seyyed Kazem Mousavi Boujnordi, Vol. 8, 1988.
- 20-Nath, R. **History of Sultanate Architecture**. New Delhi, 1978.
- 21-Nezami Aruzi, Sadr Al-din. **Taj Al-Mo'aser**. Ed. Mohamad Jowini, Manuscript, Islamic Parliament, 1229.
- 22-Page,J,A, .A **Historical Memoir on the Qutb Delhi**. Calcutta, 1926.
- 23-Pinder wilson,R. **Ghaznavid and Ghurid Minarets**. Iran(Journal of British Institute of Persian Studies), Vol.39,PP:155-186, 2001.
- 24-Purja'far, Mohamadreza. Purja'far, Ali. **Barresi ye Tatbighiy-e Asar-e Memariy-e Eslami**. Architectural Letters , No. 5, Autumn and Winter, pp. 135-148, 2010.
- 25-Salehi ,K. **Amirshakari**. F, Reasons and Consequences of Ghaznavids' Invasion of India.Journal of Subcontinent Researches,Vol. 5, No.15, summer 2013,PP:153-166, 2013.
- 26-Tavassoli, Mohamad Mehdi. **Iran, Shebh-e Ghareh va Chin: Naghsh-e Rah-haye Ertebati dar Peyvan-haye Farhangi- Tejari Bar asas-e Madarek-e Bastan Shenakhti**. Journal of Subcontinent, Vol. 2, No. 2, pp. 7-20, 2010.
- 27-Trousdale,W. **The Minaret of Jam, a Ghurid Monument in Afghanistan**. Archaeology, Vol18/2,pp: 102-108, 1956.
- 28-Welch,A.H. Crane.**The Tughluqs: Master Builders of the Delhi Sultanate**.Muqarnas 1, pp. 123-66, 1983.
- 29-Welch,A." **Architectural Patronage and the Past : The Tughluq Sultans of India**".Muqarnas, Vol 10 ,Essays in Honor of Oleg Grabar, pp:311-322, 1993.